



## واکاوی مؤلفه‌های تصویر و نقش آن‌ها در زیباسازی تصویرپردازی سوره‌های قرآن (با تأکید بر آثار خوشنویسی معاصر سوره قلم)

راضیه آلبوغیش<sup>۱</sup>، رحیمه چولانیان<sup>۲\*</sup>، صادق ابراهیمی کاوری<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات عرب، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران. Razi.soha.albogh61@gmail.com

<sup>۲\*</sup> (نویسنده مسئول) دکتری تخصصی، استادیار، گروه زبان و ادبیات عرب، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران. Ra.Choulanian1349@iau.ac.ir

<sup>۳</sup> دکتری تخصصی، استادیار، گروه زبان و ادبیات عرب، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران. Ebrahimi.kavari70@iauabadan.ac.ir

### چکیده

قرآن کریم دارای ساختارهایی زیبا و باشکوه است که اعجاب همگان را برانگیخته است. یکی از این ساختارها، تصویرپردازی‌های بی‌بدیل است که در سرتاسر قرآن جلوه‌گری می‌کند. این تصاویر دیدنی در قرآن به مدد مؤلفه‌های مختلفی ظاهر شده‌اند که می‌توان در میان آن‌ها به مؤلفه‌هایی چون تشخیص، تجسیم، تخیل، تشبیه و... اشاره کرد. در حقیقت، قرآن به مدد این مؤلفه‌ها، صحنه‌هایی باشکوه آفریده و در آن‌ها اعجاز و عظمت کلام وحی را به تصویر کشیده است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. در این اثر به بررسی این مؤلفه‌ها و نقش آن‌ها در القای مفاهیم قرآنی پرداخته شده و سوره قلم به‌عنوان نمونه مورد بررسی قرار گرفته است. هدف از این پژوهش، این است که با بررسی مؤلفه‌های تصویری دریابیم که این عناصر چه نقشی در خلق صحنه‌های زیبای قرآنی و القای مضامین آن دارند. با توجه به نتایج به‌دست آمده، این مؤلفه‌ها هر یک به‌نوبه خود توانسته است با خلق تصاویر زیبا در بیان و القای مفاهیم تأثیر به‌سزایی داشته باشد، در این میان، عنصر تشبیه به دلیل وسعت این آرایه ادبی نقش برجسته‌تر را دارا بوده است. بررسی خوشنویسی دوره معاصر نیز بیانگر این است که ساختارهای زیبایی قرآنی یکی از محوری‌ترین مضامینی است که در خوشنویسی معاصر مورد توجه بوده است.

### اهداف پژوهش:

۱. بررسی مؤلفه‌ها و عناصر تصویری قرآن و نقش آن‌ها در القای مفاهیم و مضامین قرآنی در سوره قلم.

۲. بررسی مؤلفه‌های تصویری در خلق صحنه‌های زیبای قرآنی و خوشنویسی معاصر.

### سوالات پژوهش:

۱. مؤلفه‌ها و عناصر تصویری همچون تشبیه، تشخیص و... چه نقشی در القای مفاهیم و مضامین قرآنی در سوره قلم دارند؟

۲. کدام مؤلفه‌های تصویری موجود در قرآن در ایجاد زیبایی تصویری قرآن نقش دارند؟

### اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۶

دوره ۱۹

صفحه ۲۵ الی ۳۸

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۲۶

تاریخ داوری: ۱۴۰۰/۰۲/۰۳

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۶/۱۵

### کلمات کلیدی

تصویرپردازی،

قرآن،

زیبایی‌شناسی،

سوره قلم،

خوشنویسی معاصر.

### ارجاع به این مقاله

البوغیش، راضیه، چولانیان، رحیمه، ابراهیمی کاوری، صادق. (۱۴۰۱). واکاوی مؤلفه‌های تصویر و نقش آن‌ها در زیباسازی تصویرپردازی سوره‌های قرآن (با تأکید بر آثار خوشنویسی معاصر سوره قلم). مطالعات هنر اسلامی، ۱۹(۴۶)، ۲۵-۳۸.



[dori.net/dor/20.1001.1.1735708.1401.19.46.20.6](https://doi.org/10.22034/IAS.2022.356550.2038)



[dx.doi.org/10.22034/IAS.2022.356550.2038](https://dx.doi.org/10.22034/IAS.2022.356550.2038)

## مقدمه

تصویرسازی یکی از ساختارهای زیبا و اعجاب‌انگیز قرآن کریم است؛ قرآن به مدد آن مفاهیم عقلی و مضامین عالی را به صورت صحنه‌هایی زیبا و بی‌نظیر و جلوه‌هایی ملموس و قابل‌درک تبیین کرده است. امروزه این موضوع در ذیل اصطلاح «تصویرپردازی هنری» در قرآن بررسی می‌شود. سید قطب، عقیده داشت که: «تصویرسازی در قرآن ابزاری برتر است؛ زیرا قرآن با تصویر حسی - خیالی، معانی ذهنی و حالت‌های روانی و صحنه‌های دیدنی و آرمان‌های انسانی و طبیعت بشری را به صورت تصویر ترسیم می‌کند» (سید قطب، ۱۹۳۹م: ۵۹). قرآن با استفاده از اسلوب تصویرپردازی، معارف ژرف و عمیق خویش را در حد فهم بشر عرضه داشته و مفاهیم انتزاعی و حالات درونی انسان‌ها را در قالب صحنه‌هایی زیبا و شگفت‌انگیز، محسوس و قابل‌درک کرده است. با بررسی هنر تصویرپردازی در قرآن می‌توان گفت که تصاویر قرآنی، تنها برای زیبایی و تزیین کلام وحی به کار نرفته است، بلکه برخی از مضامین و مفاهیم قرآن جز بوسیله تصویرپردازی نمود پیدا نمی‌کنند و می‌توان گفت ابزار تصویر، بهترین روش برای آشکارکردن مقصود و تأثیرپذیری بر مخاطب می‌باشد. در راستای تصویرسازی، قرآن به مدد مؤلفه‌ها و عناصر تصویری مختلفی همچون تشخیص، تجسیم، تخیل، تشبیه، استعاره و کنایه و..... به ترسیم معارف و مضامین قرآنی پرداخته و آن‌ها را در قالب صحنه‌های زیبا و حیرت‌انگیز به تصویر کشیده است.

در پژوهش حاضر به بررسی این مؤلفه‌ها و عناصر تصویری در قرآن کریم می‌پردازیم و سوره مبارکه «قلم» به عنوان نمونه‌ای از هنر زیبای تصویرپردازی قرآنی مورد بررسی قرار می‌گیرند. هدف از این پژوهش، بررسی نقش این مؤلفه‌ها در ترسیم صحنه‌های زیبا و باشکوه قرآنی در سوره قلم است؛ و اینکه دریابیم کدامین یک از این عناصر در القای مضامین و مفاهیم قرآنی در این سوره، نقش برجسته‌تر و مؤثرتری داشته است. بی‌شک با پرداختن به هنر تصویرپردازی قرآنی در این سوره، اعجاز و زیبایی کلام وحی بیش‌ازپیش آشکار می‌شود و بیان این اعجاز الهی از طریق پرداختن به هنر تصویرپردازی‌های بی‌بدیل قرآنی، ضرورت این تحقیق را بیان می‌کند.

در زمینه این پژوهش، کتاب‌ها و مقالاتی نگاشته شده است که در اینجا به مواردی از آن اشاره می‌شود: کتاب «التصویر الفنی» از سید قطب (۱۹۳۹م) که در این کتاب به بررسی تصویر هنری در قرآن پرداخته شده است. به نظر او به جز آیات تشریح در تمامی آیات قرآن می‌توان تصویرسازی را مشاهده کرد و عقیده دارد که تصویر در قرآن با آهنگ و بافت کلی قرآن هماهنگ است. کتاب «اسرار البلاغه» از جرجانی (۱۹۹۸م) که در این کتاب به توضیح مؤلفه‌های شکل‌گیری تصویر پرداخته شده است. وی عقیده دارد که تصویر دارای مؤلفه‌های متعددی مانند تشبیه، تمثیل، استعاره و ساختارهای دیگر است و ارتباط تصویر با نظم در آیات قرآنی را می‌توان از دلایل اعجاز قرآن برشمرد. کتاب «وظیفه الصورة الفنیة فی القرآن الکریم» از عبدالسلام احمد راغب (۲۰۰۳م) که در آن با تقسیم‌بندی انواع کاربردهای تصویر هنری در قرآن کریم و با ارائه نمونه‌ها و شواهدی از آیات قرآنی، به بررسی هنر تصویرگری و کاربردهای آن در قرآن

پرداخته شده است. مقاله «خاستگاه هنر در دین، کنکاشی در سوره العادیات» از ابوالفضل حری (۱۳۸۰ش) که در این مقاله ابتدا به مفهوم تصویرگری پرداخته شده و سپس تصویرپردازی در سوره العادیات مورد بررسی قرار گرفته شده است. وی عقیده دارد که خیال و عاطفه در تصویرپردازی قرآن در خدمت ایمان قرار می‌گیرد و همچنین عقیده دارد که در کلام الهی از هرگونه صنعتی جهت زیبا شدن پیام وحی استفاده شده است. مقاله «انتقال معنی از طریق تصویرسازی ذهنی در جزء سی‌ام قرآن کریم» از جلیل الله فاروقی و دیگران، (۱۳۹۳ش) که در این مقاله به نقش تصویرسازی در انتقال مفاهیم و مضامین قرآنی پرداخته شده است و در این راستا نمونه‌هایی از تصویرسازی از جزء سی‌ام انتخاب گردیده و بررسی شده است. مقاله‌ای با عنوان «حرکت در تصویرپردازی داستان‌های پیامبران (مطالعه موردی سوره هود)» به قلم انسیه خزعلی و کوثر بهبهانی‌زاده (۱۳۹۷ش) منتشر شده در فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراست. در این پژوهش، نوع افعال حرکتی در تصویرپردازی این داستان‌ها و دلیل سیطره و غلبه آن‌ها بررسی شده، و غلبه افعال حرکت انتقالی بر سایر افعال، دال بر تصویرگری موزون و ملموس داستان‌ها بوده و با تصاویری که ملامال از عذاب‌های عظیم است، منسجم شده. پژوهشی با عنوان «کارکرد تصویرپردازی در تبیین داستان ناقة حضرت صالح و رهیافت‌های تربیتی آن در بافت موقعیتی آیات قرآن» به قلم فاطمه کیانی و حاجی اسماعیلی و پرچم (۱۳۹۷ش) در فصلنامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهرا منتشر شده است. در این پژوهش به چگونگی ارتباط مؤلفه‌های تصویری ناقة در بافت فیزیکی، اجتماعی و ذهنی ثمود جهت تبیین مبهمات آیات ناقة و چستی رهیافت‌های تربیتی این داستان در بافت موقعیتی عصر نزول و دیگر عصرها پاسخ داده شده است. در این پژوهش تلاش می‌شود تا مؤلفه‌هایی که در سوره قلم که مرتبط با پژوهش ماست را کشف و شرح دهیم و به مسائلی که پژوهشگران محترم از آن غافل مانده را تبیین و بسط کنیم. از سوی دیگر، به انعکاس تصویرپردازی‌های قرآنی در خوشنویسی معاصر پرداخته می‌شود.

### ۱. مفهوم تصویر و تصویرپردازی

تصویر در لغت به معنای صورت و شکل قراردادن برای چیزی، یا نقش کردن و رسم کردن چیزی است (دهخدا: تصویر). تصویر ادبی شامل عبارات و الفاظی است که ادیب به وسیله آن‌ها اثر ادبی‌اش را می‌آفریند و درعین حال، شامل خیال است که در نتیجه عاطفه‌ای قوی به وجود می‌آید (خفاجی، بی تا: ۴۶). می‌توان گفت که تصویر ادبی علاوه بر صور خیال، شامل کلمه یا کلمات یا آیاتی است که تجربه‌های حسی را در ذهن برمی‌انگیزد؛ بنابراین اهمیت تصویر ادبی در این است که حوادث و پدیده‌ها را در خاطره‌ها و اذهان برمی‌انگیزد. اما تصویر ادبی با آنچه که امروزه از مفهوم تصویر در اذهان وجود دارد، یعنی فیلم و عکس و سینما تفاوت دارد، تصاویر در نقاشی و عکس و سینما، از آمیزه‌ای از نور و رنگ تشکیل شده‌اند؛ درحالی که در تصویر ادبی الفاظ و عبارات، چنان نقشی را ایفا می‌نماید که گویی انسان صحنه‌ای زنده و مصور را مشاهده می‌نماید. متقدمین در آثار خویش به جای کلمه «تصویر» از واژه «تمثیل» استفاده کرده‌اند، چنانچه فراهیدی در این مورد گفته است: «تمثیل در لغت، به معنای چیزی است، گویی به آن می‌نگری» (فراهیدی: ریشه مثل) و فیروزآبادی نیز در تعریف از تمثیل گفته است: «تمثیل به معنای تصویر است؛ یعنی چیزی را برای کسی

توصیف کردن و نمایش دادن؛ گویی که به آن می‌نگرد» (فیروزآبادی: ریشه مثل). سبقت حضور تصویر و تصویرگری در ادبیات عرب به قرن سوم هجری و به کتاب «الحيوان» جاحظ برمی‌گردد (جاحظ، ۱۹۳۸م: ۱۳۱). وی «شعر را گونه‌ای از تصویر» می‌داند (همان: ۳۶۵). همچنان که جرجانی نیز «شعر را صنعت و گونه‌ای تصویر» قلمداد می‌کرد (جرجانی، ۱۹۹۸: ۳۶۵). متقدمین علم بلاغت برای تصویرسازی یا تمثیل، جایگاه جدا و مستقلی قائل نبوده‌اند و آن را تحت عنوان صور خیال در اقسام بیانی چون تشبیه و استعاره و کنایه معرفی کرده‌اند، رضایی در این زمینه می‌نویسد: «آنچه را که متقدمین و ناقدان کلاسیک عرب «صور خیال» نامیدند، در حقیقت همان تصویرگرایی است» (رضایی، ۱۳۸۲: ۱۵۵)، اما ادیبان و ناقدان معاصر نگاهی متفاوت به مقوله تصویر داشته‌اند و آن را یکی از بخش‌های مهم علم بلاغت برشمرده‌اند که در میان آن‌ها می‌توان از سید قطب به‌عنوان یکی از پیش‌گامان این عرصه نام برد. بطل نیز تصویر را یک گروه زبانی متشکل از الفاظ، معانی، عقل، عاطفه و خیال می‌داند (خزعلی و بهبهانی زاده، ۱۳۹۷: ۱۰۷).

## ۲. تصویرپردازی هنری در قرآن

تصویر هنری در قرآن، آمیخته از رنگ است. جنبش و موسیقی و رنگ کلمات و نغمه عبارات در آن به‌گونه‌ای است که دیده و گوش و حس و خیال و هوش و وجدان را از خود آکنده می‌سازد. تصویر در قرآن، تصویری است گویا و زنده که در آن مبانی و مفاهیم و مضامین همگی جامه حیات می‌پوشند. سید قطب در کتاب خویش تصویرپردازی را یکی از مهم‌ترین رویکردهای تحلیلی قرآن به شمار آورده و عقیده دارد که «کل اسلوب قرآن به جز آیات تشریح بر اساس تصویر است و این اسلوب تصویری از اعجاز قرآن است» (سید قطب، ۱۴۱۵ق: ۷). بنابراین تصویرسازی در قرآن، ابزاری برتر است؛ زیرا قرآن با تصویر حسی-خیالی، معانی ذهنی و رخدادها و صحنه‌های دیدنی و آرمان‌های انسانی و طبیعت انسانی را بیان می‌کند و بدین ترتیب معانی و مضامین ذهنی شکل و حرکت پیدا می‌کنند و حالت‌های روانی تبدیل به تابلو و یا صحنه می‌شود و داستان‌ها و مناظر، همه نمایان می‌شود.

## ۳. مؤلفه‌های تصویرپردازی

قرآن کریم با اسلوب و هنر تصویرپردازی به مدد مؤلفه‌ها و عناصر تصویری متعددی معارف ژرف و عمیق خویش را در حد فهم بشر عرضه داشته و معانی و مفاهیم انتزاعی و حالات روحی و درونی انسان‌ها را برای آن‌ها محسوس و قابل درک کرده است. سید قطب عناصری مانند: رنگ، صدا، حرکت، گفتگو، تجسیم، تشخیص و حواس را از مهم‌ترین مؤلفه‌های تصویرپردازی در قرآن می‌داند (سید قطب، ۱۹۸۰: ۷)، اما برخی از محققین، اندیشه دینی، واقعیت، خیال، عاطفه، زبان، ریتم و آهنگ را از مؤلفه‌ها و عناصر مهم تصویر در قرآن برمی‌شمارند (سیدی، ۱۳۸۷: ۱۰۸). برخی دیگر، عقیده دارند که تصویر قرآنی از شیوه‌ها و عناصر مختلفی مانند: توصیف، تشبیه، کنایه، مجاز و فاصله مدد می‌گیرد و بر پایه تجسیم و تشخیص و تخیل استوار است (قاسمی، ۱۳۸۶: ۷۴).

## ۴. مضامین قرآنی در خوشنویسی معاصر

هنر خوشنویسی هم‌زاد و همراه فرهنگ و هنر ایران و اسلام بوده است. خط زیبا در ادبیات اسلامی فارسی و معارف و هنر و معرفت دینی به‌عنوان یگانه محمل کلام وحی و تثبیت‌کننده احساس هنری نقش یگانه‌ای را از آغاز پیدایش ایفا کرده و متناسب با موقعیت‌های فرهنگی، تاریخی و اجتماعی شرایط متفاوتی را تجربه و دارای اوج و فرودهایی بوده است. کلام و تصویر دو عامل مهم برای ایجاد ارتباط است. در خوشنویسی، انتقال پیام از طریق تصاویر و کلمات، دارای ساختار تجسمی است. حضور اصول و قواعد در کنار زیبایی و توجه به کیفیت‌های بصری، خوشنویسی را از نظر بصری و ساختار زیبایی‌شناختی ممتاز نموده است (اسحاق زاده و همکاران، ۱۳۹۷:۳۵). در بررسی مضامین موردنظر در خوشنویسی معاصر می‌توان مشاهده کرد که بخش مهمی از آثار هنری این حوزه، مربوط به کتابت قرآن و مضامین قرآنی است. از دوره قاجار نسخه‌های فراوانی از قرآن توسط هنرمندان مرد و زن کتابت شد که امروز در موزه‌های مختلف نگهداری می‌شود. در دوره قاجار، به فراخور سیاست‌های حکومت برای رونق فرهنگ اسلامی، حمایت زیادی از کتابت و خوشنویسی انجام شد. این مسئله منجر به رونق خوشنویسی قرآنی در این مقطع زمانی گردید.

در مقاطع مختلف تاریخی از بین انواع هنرهای سنتی ایران، خوشنویسی به دلیل آنکه به‌عنوان محملی برای آیات مصحف الهی و احادیث مورد استفاده قرار می‌گرفت، بیش از سایر هنرها مورد عنایت و توجه خاص قرار داشت. خوشنویسی در طول سیزده قرن با فراز و نشیب فراوان از نظر کیفی به سطحی دست‌یافت که به‌عنوان معیار و شاخص هنر قدسی و آئینی تلقی گردید. مطالعات انجام‌شده در حوزه زیباشناسی خط هرچند بسیار محدود و انگشت‌شمار هستند؛ اما زمینه را برای پژوهش درباره گرایش‌های فرمالیستی در خوشنویسی هموار کرده‌اند. ظهور فرمالیسم (صورت‌گرایی) به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مکتب‌های نقد ادبی در روسیه، علاوه بر ادبیات و زبان‌شناسی به تدریج سایر هنرها را نیز تحت تأثیر قرارداد و به‌سرعت گسترش یافت. از منظر ایشان مهم‌ترین ویژگی آثار ادبی (و هنری) ماندگار و تأثیرگذار، رویکرد آفرینندگان آن‌ها در خلق فضایی برای آشنایی‌زدایی از باورهای متعارف و تکراری بود. در هنرهای تجسمی و کاربردی و به‌طور اخص خوشنویسی هنرمندان در بسیاری از مقاطع تاریخ هنر ایران نگاهی متفاوت به قیود صلب قوانین موضوعه داشته و با ظرافتی خاص جلوه‌های این امر را در آثار خود به نمایش گذاشته‌اند. بر اساس نظریه صورت‌گرایی در هنر، آثاری از تاریخ هنر که به جنبه بازنمایی یا فرانمایی خود شهره‌اند نیز در اصل به دلیل خصوصیات فرمی خود محل توجه بوده‌اند؛ چراکه ویژگی‌های بازنمودی و بیانی آنان برخلاف تصور برخلاف تصور نظریه‌پردازان معتقد به نظریه‌های بازنمایی و فرانمایی هنر، نه صفات ذاتی بلکه صرفاً صفات عرضی آن‌ها هستند از این بابت که تنها صفات ذاتی آنان همانا صورت، فرم یا ساختار صوری آن‌هاست (عوض پور، ۱۳۹۲: ۶۹).

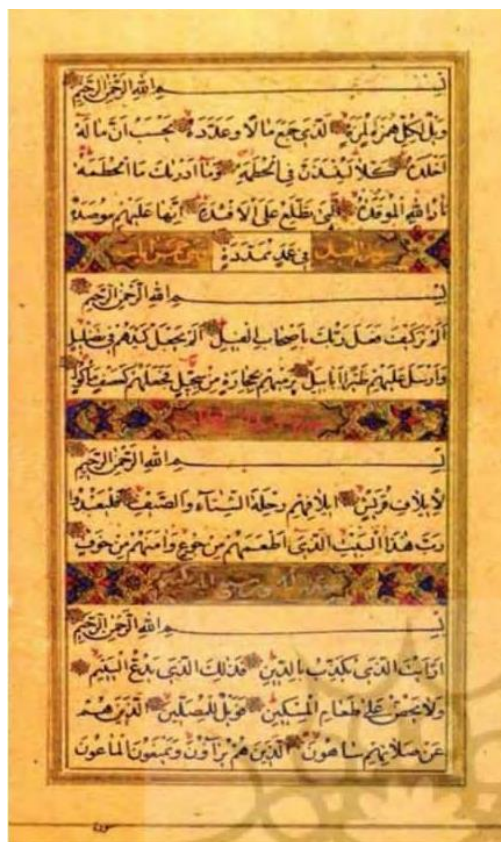
### ۵. مؤلفه‌های تصویری و نقش آن‌ها در سوره قلم و خوشنویسی معاصر

سوره «قلم» همانند تمامی سوره‌های قرآن سرشار از اعجاز و زیبایی‌های بلاغی هستند و به‌ویژه هنر تصویرپردازی در بسیاری از آیات آن‌ها مشهود است که به مدد آن معانی و مضامین قرآنی در این سوره به زیباترین شکل به تصویر کشیده شده است. در ذیل به بررسی برخی از مؤلفه‌ها و عناصر تصویرپردازی در این سوره می‌پردازیم:

#### ۵.۱. تشخیص

تشخیص یا شخصیت‌بخشی، آرایه‌ای ادبی است که در آن صفات و یا رفتار انسانی را به جانوران و یا اشیا نسبت می‌دهند. شخصیت‌بخشی که بعضی آن را «جان‌بخشی به اشیا» و یا «جاندار انگاری» می‌خوانند، در حقیقت اطلاق احساسات و رفتارهای خاص انسانی به حیوانات و گیاهان و پدیده‌های طبیعی یا امور عقلی است. برخی تشخیص را «انسان‌انگاری» نامیده و آن را نوعی مجاز دانسته‌اند که در آن به اشیا یا اندیشه‌های مجرد، ویژگی و کردار انسانی بخشیده می‌شود (رضایی، ۱۳۸۲: ۲۸). در تشخیص به اشیاء و جامدات شخصیت انسانی داده شده و آن‌ها را به‌صورت انسان مجسم می‌نمایند؛ در واقع، در این شیوه، صفات و نسبت‌هایی را به اشیاء یا حیوانات می‌دهند که ویژه انسان است؛ برای مثال: آسمان یا روزگار یا باد صبا را مورد خطاب قرار داده و با آن‌ها گفتگو می‌کنند، در تعبیر مصور قرآنی، جلوه‌های بسیار زیبایی از بخشیدن حیات به جامدات را می‌توان مشاهده کرد (قاسمی، ۱۳۸۶: ۷۴). مانند این آیه در سوره قلم: «قَطَافَ عَلَیْهَا طَائِفٌ مِّنْ رَبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ» (قلم: ۱۹/۶۸) این آیه اشاره به داستان «اصحاب‌الجنه» یا صاحبان باغ دارد که در آن باغدارانی از اهل یمن شبانه تصمیم می‌گیرند هنگام سپیده‌دم و دور از چشم مستمندان میوه‌های باغ خویش را چیده و آن‌ها را از این میوه‌ها محروم و بی‌نصیب سازند، پس شبانه طیفی و بلایی از سوی پروردگار، درحالی‌که آن‌ها در خواب بودند آن باغ را سوزانده و بیابانی ریگزار تبدیل می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۶/۱۸۳). و مراد از «طائف» در این آیه، آفت و بلایی است که برگرد باغ چرخیده و آن را سوزانده و خاکستر کرده است (قرائتی، ۱۳۸۲: ۱۶۹).

در این آیه به مدد عنصر تشخیص نمایی از عذاب خداوند به تصویر کشیده شده است. آنجا که طیف عذاب الهی به‌مانند انسان مجسم می‌شود و برگرد باغ می‌چرخد و آن را به امر و دستور الهی به آتش می‌کشد و می‌سوزاند و به بیابانی خشک تبدیل می‌کند. خداوند در این آیه به انسان‌ها یادآور می‌شود که قهر و عذاب الهی مخصوص آخرت نیست؛ بلکه گاهی در دنیا و بسیار سریع واقع می‌شود (همان: ۱۶۹). همچنین در آیه (قلم: ۴۳/۶۸)، خداوند تعبیر «خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ» را به‌کار می‌برد. که در این عبارت نیز از ویژگی تشخیص در تصویرسازی استفاده شده است؛ زیرا به چشم‌ها که جزئی از بدن انسان است، شخصیت انسانی بخشیده شده است و چشم‌ها در حال خضوع و خشوع به تصویر کشیده شده‌اند. خشوع و فروتنی از صفات‌های انسان است و در اینجا قرآن با تعبیری زیبا چشم‌ها را همچون انسانی به تصویر کشیده است که فروتن و خاضع سر به زیر افکنده و شرمسار می‌باشد.



تصویر ۱: قرآن، به خط ام سلمه، دوره معاصر (قاجار)، مأخذ: کتابخانه ملی ایران.

در آیهٔ بالا شاهد کاربرد تشخیص برای فیل هستیم. آوردن عبارت اصحاب فیل، نوعی جان بخشی یا بخشیدن صفت انسانی به فیل محسوب می‌شود.

## ۵.۲. تشبیه

تشبیه به ادعای همانندی و اشتراک بین دو چیز در یک صفت یا بیشتر گفته می‌شود (محمدی، ۱۳۸۴: ۱۶۰). شفیعی کدکنی در مورد تشبیه چنین می‌گوید: «تشبیه از اصول تصویری و تعبیر فنی علم بیان است که ذهن را از آنچه که پنهان است به چیزی که آشکار است، هدایت می‌نماید و به دلیل همین جنبهٔ تخیلی و تصویری تشبیه می‌توان بسیاری از امور متباین و حتی متضاد را که از نظر حس و تجربه عقلی از هم دورند را در یک موضوع جمع کرد (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۲: ۷۲). در تصویرسازی هنری قرآن، تشبیه نقش والا و برجسته‌ای را دارا می‌باشد؛ زیرا به مدد آن تصویری بس شگفت‌انگیز و بی‌بدیل در آیات قرآن به نمایش درآمده است. نمونه‌ای از آرایه ادبی تشبیه را در این آیه می‌توان نظاره کرد. آنجاکه می‌فرماید: ﴿فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ﴾ (قلم: ۲۰). در رابطه با معنای این آیه، سخنان متعددی گفته شده است از جمله اینکه: «یعنی باغ مانند درختی شد که میوه‌اش را چیده باشند و ممکن است به این معنا باشد که آن باغ مانند شب تاریک و سیاه شد، چون در اثر آتشی که خداوند به سوی آن فرستاد، درختانش سوخت، و یا ممکن است به این معنا باشد که آن باغ مذکور مانند بیابانی ریگزار شد که هیچ گیاهی در آن نمی‌روید و هیچ فایده‌ای برای آن متصور

نیست» (طباطبایی، ۱۳۶۶: ۵۶/۲۰). همچنین آمده است: «صَرِيمٌ» از ماده «صرم» و به معنی «قطع» است و در اینجا به معنی شب ظلمانی یا درخت بدون میوه یا خاکستر سیاه است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۳۹۵/۲۴).

گفته شده است که: «در حقیقت این تشبیه، یک تشبیه تمثیلی است که در آن حالت و شکل باغ به دلیل حادثه وارد شده بر آن به شب تشبیه شده است و وجه شبه شامل سیاه شدن به دلیل سوختن است» (قونوی، ۱۴۲۲: ۳۳۸/۱۹) و یا تشبیه باغ سوخته به شن و ماسه‌ای است که چیزی از آن نمی‌روید و مشبه به در اینجا حسی است و آن کلمه «مصروم» است (همان: ۳۳۸). همان‌طور که مشاهده می‌شود به دلیل گستردگی معنای کلمه «صریم» و به مدد عنصر تشبیه، در این آیه، صحنه‌های شگفت‌انگیز و متعددی به تصویر کشیده شده است. اگر صریم را به معنای تاریکی و شب در نظر بگیریم، می‌توانیم صحنه‌ای را به تماشا بنشینیم که در آن باغ مذکور در اثر سوختن درختان به مانند شب، تاریک گشته است و چنانچه معنای ریگزار و شن و ماسه را برای این کلمه در نظر بگیریم، می‌توانیم آن باغ را بعد از ویران شدن به صورت ریگ‌زاری خشک و بی‌آب و علف در ذهن مجسم کنیم.



تصویر ۲. خوشنویسی در قرآن، به خط ضیاء السلطنه، دوره قاجار، آستان مقدس حضرت معصومه قم.

در آیات بالا، همسر ابولهب به حمل‌کننده آتش تشبیه شده است.

### ۵.۳. مجاز

مجاز به معنی استعمال یک‌لفظ در غیر معنای اصلی و حقیقی خود است، با شرط وجود نوعی مناسبت و پیوستگی بین این دو معنی و نیز با شرط وجود قرینه‌ای که مانع از اراده معنی حقیقی می‌شود. هرگاه بین دو معنی حقیقی و مجازی، رابطه‌ای از نوع رابطه جزء و کل یا سبب و مسبب و یا حال و محل و یا وسیله و نتیجه باشد، آن مجاز را مجاز مرسل می‌گویند (مردوخی، ۱۳۸۷: ۱۱). نمونه‌ای از مجاز را در آیه (قلم: ۴۳/۸۸) و در عبارت (خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ)



می‌توان مشاهده نمود، در این آیه، علاوه بر عنصر تشخیص از مجاز نیز برای نمایش تصویر زیبای قرآنی استفاده شده است. در این جا می‌توان گفت که تعبیر «خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ» از لحاظ بلاغی مجاز مرسل و دارای علاقه جزئی می‌باشد؛ یعنی در این تعبیر به جای انسان که کل است، از چشم‌های او که جزئی از بدن است، نام برده شده است. بنابراین در این آیه، نمایش زیبای دیگری از هنر تصویرپردازی را مشاهده می‌کنیم؛ آنجا که به مدد ظرافت و زیبایی عنصر بلاغی مجاز مرسل چشم‌ها مانند انسانی خاشع و خاضع در درگاه الهی ظاهر می‌شوند.

#### ۵.۴. استعاره

استعاره، در حقیقت تشبیهی است که فقط یکی از دو رکن آن (مشبه و مشبه به) در آن ذکر شده باشد. همچنین می‌توان گفت: استعاره مجازی است که در آن رابطه بین معنی حقیقی و مجازی بر اساس مشابهت باشد. در مورد استعاره گفته شده است: «در استعاره مشابهت میان دو معنی حقیقی و مجازی به قدری زیاد است که می‌توان ادعای یکسانی آن دو را کرد، لذا استعاره خیال‌انگیزتر و بلیغ‌تر از تشبیه است» (امامی خلیل‌آبادی، ۱۳۸۸: ص ۱۷۹). در سوره قلم نمونه‌های متعددی از تصویرپردازی به مدد عنصر استعاره مشاهده می‌گردد. مانند این آیه: «فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ» (قلم: ۱۹/۸۸). در آیه فوق در عبارت «فَطَافَ عَلَيْهَا» استعاره تمثیلیه وجود دارد، زیرا این عبارت به معنی «أرسل علیها» می‌باشد. قونوی در این مورد گفته است: «استفاده از تعبیر طواف به جای ارسال برای نشان دادن مبالغه در سوزاندن و احاطه‌داشتن به جمیع جوانب آن است، و آن استعاره مصرّحه تبعیه غریبه می‌باشد» (قونوی، ۱۴۲۲: ۱۹/۲۳۳). دلیل وجود استعاره در این آیه، این است که در آن، ارسال و فرستادن به علت مبالغه در احاطه و شمول به طواف تشبیه شده است؛ سپس مشبه که «ارسال» بوده حذف شده است و مشبه به که طواف بوده، باقی مانده است و به این دلیل این استعاره مصرّحه نامیده می‌شود که در آن فقط به ذکر مشبه به تصریح شده است (السلمی، ۱۴۳۵: ۲۳۷). در این آیه به کمک و مدد مؤلفه استعاره تصویری روشن و بی‌بدیل از ویرانی باغ مذکور به نمایش درآمده و شدت حادثه و شمول و احاطه آن، توسط کلمه «طاف» به زیبایی به تصویر کشیده شده است.



تصویر ۳. خوشنویسی در قرآن، دوره قاجار، مأخذ: آستان مقدس حضرت معصومه (س) قم.

#### ۵.۵. کنایه

کنایه به معنی آن است که از مفهومی معین، لفظی تعبیرکننده که در دلالت بر آن مفهوم صریح نباشد، بلکه به طور ضمنی به آن اشاره نماید. گاهی تصاویر قرآن تنها به کاربرد یک واژه خاص در آیه مربوط نمی‌شود؛ بلکه از مجموعه آیاتی از یک سوره و بافت آن به ذهن مخاطب تداعی می‌گردد و در واقع این بافت است که صحنه یا تابلویی هنری را به تصویر می‌کشد و در آن تمامی تصویرهای هنری یک سوره باهم هماهنگ و هم‌سو و برای ایجاد یک تصویر کلی در سوره باهم در تعادل می‌باشند (راغب، ۱۳۸۹: ۹۱). مانند این آیه از سوره قلم: «سَنَسِمْهُ عَلَى الْخُرْطُومِ» (قلم: ۱۶/۸۸). مصدرهای «وسم» و «سمه» به معنای علامت‌گذاری است و کلمه «خرطوم» به معنای بینی است. بعضی گفته‌اند که اطلاق خرطوم بر بینی آن شخص کافر، با اینکه خرطوم تنها بینی فیل و خوک است، در حقیقت، نوعی توییح و ملامت است و ظاهراً منظور از علامت‌گذاری در بینی او این است که بی‌نهایت او را خوار می‌کنیم و ذلّتی نشان‌دار به او می‌دهیم؛ به طوری که هر کس او را ببیند با آن علامت او را بشناسد؛ چون بینی در صورت انسان یکی از مظاهر عزت یا ذلت است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۶/۱۸۳). عبارت «سَنَسِمْهُ عَلَى الْخُرْطُومِ»؛ در این آیه، کنایه از خوار و ذلیل کردن است؛ زیرا این تعبیر در زمان جاهلیت به‌عنوان بالاترین درجهٔ حقارت و ذلت به شمار می‌آمد و قرآن به زیباترین شکل در این آیه آن را به تصویر کشیده است و به کافرانی که پیامبر (ص) و مسلمانان را تحقیر می‌کردند و دست از آزار و اذیت آن‌ها بر نمی‌داشتند، نشان داده است که کیفر تحقیرکننده، تحقیر شدن به بالاترین شکل است؛ زیرا این عبارت، نهایت ذلت و خواری انسان به حساب می‌آمده است و قرآن در این آیه با استفاده از لفظ «خرطوم» که متعلق به حیوانات است، نهایت تحقیر و ذلت کافران را به تصویر کشیده است (خامه گر، ۱۳۸۲: ۴۷). در آیه زیر نیز به مدد عنصر کنایه، مفاهیم قرآنی به زیباترین شکل به تصویر کشیده شده است؛ آنجا که می‌فرماید: «يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَيُدْعُونَ إِلَى

السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ» (قلم: ۴۲ / ۸۸). ساق در لغت به معنای «ما بین زانو و مچ پا است» و کشف عن ساق یعنی پاها برهنه می‌شوند و نمایان می‌شوند، اما ساق به معنی شدت هم است و منظور از کشف ساق پا در این آیه رسیدن کار به نهایت و شدت است (الهی‌قمشه‌ای، ۱۳۴۹: ۵۶۴). این اصطلاح در حقیقت کنایه از این است که کارد به استخوان رسیده است. خداوند در این آیه، صحنه‌ای عجیب از نهایت سختی و مشقت کافران را در روز قیامت به تصویر می‌کشد و برای نمایش این صحنه و به تصویر کشیدن نهایت سختی و رنج آن‌ها، تعبیر زیبایی «کشف عن ساق» را به کار می‌برد. در این آیه، علاوه بر تعبیر فوق، تصویری دیگر از رنج و مشقت کافران در قالب کنایه ترسیم شده است؛ آنجا که می‌فرماید «وَيَدْعُونَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ» یعنی: رنج آن‌ها به حدی می‌رسد که به سجده دعوت می‌شوند ولی نخواهند توانست.



تصویر ۴. برگگی از قرآن، دوره معاصر (قاجار)، به خط ام سلمه، مأخذ: کاخ گلستان، تهران.

در آیات بالا، یوم‌الدین کنایه از روز قیامت است و در حقیقت نوعی کاربرد تصویرسازی در قرآن است.

### نتیجه‌گیری

هدف قرآن از به تصویر کشیدن اندیشه‌های دینی در قالب‌های ادبی، پرورش معرفت بشری در زمینه جهان هستی و جهان آخرت و آفریدگار جهان است و در این راستا، معانی والای قرآنی در آیات این کلام الهی با تصاویر هنری آن‌ها کاملاً هماهنگ و متناسب است. در بررسی مؤلفه‌ها و عناصر تصویری در سوره قلم به این نتایج رسیدیم که کاربرد

مؤلفه تشخیص در این سوره، نشان داده است که قرآن به مدد این ویژگی، مبانی و مفاهیم و مقاصد خویش را به بهترین شکل به تصویر کشیده است؛ زیرا تصور اشیا و مفاهیم به شکل انسان، تصاویری بس زیبا را در ذهن تداعی می‌کند. تأثیر مؤلفه‌های تشخیص و تخیل در این سوره، کاملاً نمایان و هویدا است. زیرا به مدد این مؤلفه‌ها مفاهیم عینی و خیالی و دورازذهن به صورت تصاویری شگفت و بی‌بدیل به‌نمایش درآمده و باعث شده است که این مفاهیم ملموس و محسوس شود. به مدد مؤلفه‌های تشبیه و استعاره در آیات سوره قلم مفاهیم و دستورهای دینی به صورت تصاویری زیبا و دل‌انگیز به تصویر درآمده است که در نتیجه به درک بهتر از آن مفاهیم انجامیده است. به‌کارگیری آرایه‌های بلاغی چون کنایه و مجاز در این سوره باعث شده است که مبانی و اهداف قرآنی به شکل شگفت‌انگیزی به‌نمایش درآمده و اعجاز این آیات را دوچندان نماید. با بررسی نقش و تأثیر این مؤلفه‌های تصویری در بیان مقاصد القای مفاهیم قرآن در سوره قلم این نتیجه به دست می‌آید که تمامی این عناصر در به‌تصویر کشیدن مفاهیم و مقاصد قرآنی و امور عینی و دورازذهن نقش والا و شگفت‌انگیزی را ایفا کرده‌اند. در این میان، مؤلفه تشبیه به علت خلق تصاویری بس زیبا و شگفت‌انگیز و به دلیل وسعت و شمول و فراگیری این آرایه ادبی نقش برجسته‌تر و مؤثرتری را دارا بوده است. بررسی‌ها حاکی از این است که می‌توان جلوه‌هایی از این تصویرپردازی‌های قرآنی را در خوشنویسی معاصر و مضامین و فرم‌های به کار برده در آن نیز مشاهده کرد.

## منابع

## کتاب‌ها

## قرآن کریم

- الهی قمشه‌ای، مهدی. (۱۳۴۹). ترجمه فارسی قرآن کریم. تهران: نشر جمهوری.
- امامی خلیل آبادی، مرتضی. (۱۳۸۸). معجزه بیان. چ ۱، شهرکرد: انتشارات دانشگاه شهرکرد.
- جاحظ، محمود بن بحر. (۱۹۳۸م). الحیوان. تحقیق: عبدالسلام هارون، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- جرجانی، عبدالقادر. (۱۹۹۸م). دلائل الأعجاز فی علم المعانی. تحقیق: محمدعبده و دیگران، بیروت: دارالمعرفة.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین. (۱۳۸۲). دانشنامه قرآن. تهران: نشر دوستان.
- خفاجی، محمد بن عبدالنعم. (بی تا). دراسات فی النقد العربی الحدیث و مذاهبه، مصر، قاهره: دارالطباعه المحمديه.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳). فرهنگ لغت دهخدا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- راغب، عبدالسلام احمد. (۱۳۸۷). کارکرد تصویر هنری در قرآن کریم. ترجمه: سید حسین سیدی، تهران: انتشارات سخن.
- راغب، عبدالسلام احمد. (۲۰۰۳م). وظیفه الصورة الفنته فی القرآن الکریم، حلب: فصل للدراسات و الترجمة و النشر.
- رضایی، عربعلی. (۱۳۸۲). واژگان توصیفی ادبیات، تهران: نشر فرهنگ معاصر.
- سید قطب. (۱۴۱۵ق). فی ظلال القرآن، مصر، چاپ دهم، قاهره: دارالشروق.
- سید قطب. (۱۹۳۹م). التصوير الفنی، نمایش هنری در قرآن. ترجمه: محمد علی عابدی، تهران: مرکز نشر انقلاب.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۲). صورخیال در شعر فارسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- الصباغ، محمد. (۱۹۸۳). التصوير الفنی فی الحدیث النبوی، بیروت: المکتب الاسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۶۶). تفسیرالمیزان، چ سوم، قم: مؤسسه انتشاراتی امیر کبیر.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیرالقرآن. چ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عمید، حسن. (۱۳۷۹). فرهنگ فارسی عمید، تهران: نشر امیرکبیر.
- عوض پور، بهروز. (۱۳۹۲). درآمدی بر نظریه‌های هنر. تبریز: نشر موغام.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۹۸۲م). العین، تحقیق محمد مخزومی، بیروت: دارالرشید للنشر.
- فولادوند، محمدمهدی. (۱۳۸۸). ترجمه قرآن. تهران: ناشر جمهوری اسلامی.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (۱۸۷۲م). القاموس المحیط، قاهره: مطبعه بولاق.
- قزائتی، محسن. (۱۳۸۲). تفسیر نور، چ یازدهم، تهران: مرکز هنری درس‌هایی از قرآن.
- قرشی، علی اکبر. (۱۳۶۷). قاموس قرآن، چ پنجم، تهران: دارالکتب الاسلامی.
- قونوی، اسماعیل بن محمد. (۱۴۲۲ق). حاشیه القونوی علی تفسیرالبیضاوی، بیروت: دارالکتب العلمیه.

محمدی، حمید. (۱۳۸۴). زبان قرآن، آشنایی با علوم بلاغی معانی، بیان، بدیع. چ پنجم، قم: مؤسسه فرهنگی دارالذکر.  
 مردوخ، معد. (۱۳۸۷). علوم بلاغی، بیان و معانی و بدیع، سنندج: نشر ژیار.  
 مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۶). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

#### مقالات

اسحاق زاده، روح‌الله؛ صادقیان، حمید و روحانی اصفهانی، الهام. (۱۳۹۷). «مقایسه ارتباطات بصری در خط نستعلیق بین دو شیوه صفوی و معاصر (میرعماد و امیرخانی)»، نشریه هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی، ش ۲، صص. ۳۵-۴۶.  
 السلمی، عبدالرحمن بن رجا الله. (۱۴۳۵ق). «التناسق الصوتی فی القرآن الکریم سوره مریم نمودجا»، مجله معهد الامام الشاطبی، شماره ۱۷.  
 خامه گر، محمد. (۱۳۸۲). «ساختار تفسیر ساختاری سوره القلم»، مجله رشد آموزش قرآن، شماره ۳.  
 خزعلی، انسیه؛ بهبهانی‌زاده، کوثر. (۱۳۹۷). «حرکت در تصویرپردازی داستان‌های پیامبران (مطالعه موردی سوره هود)»، فصلنامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء، شماره ۴، صص ۱۳۰-۱۰۳.  
 سیدی، حسن. (۱۳۸۷). «مؤلفه‌های تصویر هنری در قرآن». مجله اندیشه‌های دینی، شماره ۲۷.  
 قاسمی، حمید محمد. (۱۳۸۶). «جلوه‌هایی از هنر تصویرآفرینی در قرآن». مجله صحیفه مبین، شماره ۴۰.